

سیاق در قرآن

فاسم زور حسن

چکیده

وحی و مفهوم الوهی آن شالوده متن قرآنی را شکل می‌دهد. ^۱ تمامی مباحث علوم قرآنی از جمله سیاق از فروعات بحث از وحی تلقی می‌گردد و عنوان وحی هم‌تراز با قرآن آ و کتاب ^۲ در تمدن اسلامی و اندیشه‌های قرآنی محسوب شد. مباحثی چون نزول، کیفیت نزول تدریجی یا دفعی، شناخت مکی یا مدنی بودن سور و آیات، محکم و متشابه، حقیقت و مجاز، وجوه و نظائر و مانند آن لزوماً رابطه‌ای وثیق با تأویل و تفسیر آیات و متن قرآنی ندارد اما سیاق، تناسب و تناسب از جمله موضوعات جدیدتری محسوب می‌شوند که با ساختار زبانی و آمیخت ساختگانی معنایی در پیوند می‌باشند.

اخذ و اصطیاد مفهوم روشن آیات به جستجو و پژوهش در سیاق آیات هم‌بسته است بنحوی که علامه طباطبایی حتی گاهی سیاق را بر اسباب نزول ^۴ ترجیح داده و گاهی به دلالت سیاق از عبارتی عام، مفهومی خاص و معنایی متعین را تفسیر می‌کند. ^۵ برخی از مفسران از اهمیت سیاق به نحوی یکسان در تمامی آیات و سور و تفسیر معنای آیات هم‌بسته بهره می‌برند ^۶ در حالی که برخی دیگر سیاق را متعلق شروطی دانسته و تحت ضوابطی از تأثیر سیاق سخن می‌گویند. ^۷

کلید واژه‌ها: قرآن، سیاق، ساختار معنایی، تناسب، اسباب النزول.

مقدمه

از دیرباز اسلوب خاص قرآن که مرحوم مطهری از آن به زبان خاص قرآن تعبیر می‌کرد ^۸ مورد توجه محققان قرآنی بود. اسلوب زبانی و معنایی قرآن به تبع خود بحثهایی

همچون «سیاق» را خلق کرد. تتبع و پژوهش در متن الهی خاصه جستجو در نوع و کیفیت بافتار و ساختگان آن امری دشوار است. در واقع بررسی سیاق در تفسیر آیات به مثابه روش تحلیلی متن الهی و مطالعه در چگونگی چینش این متون است. سیاق به ویژه با دو مسئله تناسب سور و آیات و اسباب نزول در هم تنیده است.

مناسبت که امری درون آیاتی است بر مرتبط اجزا بودن آیات دلالت داشته و تأکید می‌ورزد که متن قرآنی یک واحد ساختاری همبسته است و مفسر باید این روابط و مناسبت‌های پیوند دهنده آیات با یکدیگر و نیز سوره‌ها با یکدیگر را کشف کند.^۹ اما اسباب نزول نه صرف ثبت حقایق تاریخی در موضوع متن قرآنی بلکه فهم متن قرآنی و استخراج دلالت‌های آیات در پرتو شناخت زمینه نزول می‌باشد. در این باور دانش اسباب نزول امری بیرون از آیات است اما چنانکه برخی از محققان قرآنی همچون واحدی و ابن‌دقیق‌العید و ابن‌تیمیه گفته‌اند فهم سبب نزول در فهم معنی آیه و مراد مسبب کمک می‌کند.^{۱۰} گاهی پژوهشگران قرآنی اسباب نزول و شناخت آن را روشی یقینی در فهم معانی قرآنی تلقی می‌کنند.^{۱۱}

اما سیاق هم امری درونی است چون بر مرتبط اجزا بودن و یکپارچگی آیات و همبسته بودن آن دلالت دارد و هم امری بیرونی است چون بر ساختار همبستگی آیات و نظم و چینش متن قرآنی تأکید می‌ورزد. به هر روی پژوهش در سیاق می‌تواند یکی دیگر از عناصر مهم در مسئله تفسیر آیات را مکشوف سازد.

سیاق و بازجست تعریفی

همگان معتقدند تعریف، بنیاد هر پژوهش است. مرحوم سبزواری معتقد است که اُسّ المطالب در هر دانش سه چیز است. نخست مطلب ما یا تعریف مفهومی موضوع، دوم مطلب وجودی و سوم مطلب لم یا فایده و غایت بحث.^{۱۲}

به همین مناسبت قبل از ورود در بررسی موردی آیات که سیاق چگونه جایگاهی را در تفسیر به خود اختصاص می‌دهد یا با چه سازهایی در تلائم یا در تهافت خواهد بود لازم

است معنی لغوی و اصطلاحی سیاق را بازخوانی کنیم.

نگارنده اکثر کتب مرتبط با بحث را مطالعه و جستجو کرده و معالاسف نتوانست تعریفی مشخص و آشکار که سیاق را از مناسبت و اسباب نزول و زمینه context جدا نماید و بینشان تمایز گذارد، بیابد گرچه هر کدام تعریفی شرح الاسمی و نه حدی از سیاق ارائه کرده‌اند که عمدتاً نزدیک به تعریف مناسبت آیات بوده است. به هر روی می‌دانیم که سیاق از نوع و چرایی چینش آیات سخن می‌گوید و بیان می‌دارد که اولاً به چه سبب کلمات چند آیه با نظمی خاص با یکدیگر همبسته معنایی و زبانی پیدا کرده‌اند و ثانیاً فهم هر کدام از آیات مرتبط چگونه در تناظری با فهم دیگر آیات است؟^{۱۳} بی‌تردید این تعبیر و تعریف از سیاق، آن‌را به مناسبت و اسباب نزول نزدیک می‌سازد. می‌دانیم که اسباب نزول پیوند یک یا چند آیه با بافت تاریخی آن آیات را تبیین می‌سازد اما دانش مناسبت رابطه آیات و سوره‌ها را در ترتیب کنونی متن قرآنی، بررسی می‌کند. اسباب نزول لزوماً دلالت بر وجه اعجازی قرآن ندارد اما مناسبت و سیاق یکی از وجوه اعجاز متن قرآنی است.^{۱۴}

سیاق و مناسبت به پژوهش در بافتار و آمیخت ساختگانی خاص متن قرآنی می‌پردازند و پیوندهای درون متن قرآنی را تبیین می‌کنند اما اسباب نزول آیات قرآن را به لحاظ ارتباطشان با اوضاع و احوال خارجی و اسباب بیرونی متن قرآنی بررسی می‌کند. در سیاق از معناشناسی و زیبایی شناسی متن قرآنی پژوهش می‌شود اما در اسباب نزول از دلالت متن قرآنی بر رویدادهای خارجی سخن گفته می‌شود.^{۱۵}

واژه سیاق از مبدأ سوق اخذ شده و لغوین معانی چندی را برای معانی لغوی سیاق بیان داشته‌اند: همچون تعاقب و توالی، اسلوب ساختاری واژگان، وقوع در بین کلام و گاه مستفاد از مجموع کلام.^{۱۶}

زرکشی در البرهان در تعریف سیاق می‌نویسد:

سیاق کلام بنیاد تفسیر مفسر است گرچه معنایی که حاصل می‌شود ناسازگار با معنای

لغوی آیه باشد. لذا برخی از مفسران همانند زمخشری صاحب کشاف در تفسیر آیات بر آنچه که مقتضای سیاق کلام است، اعتماد می‌نمایند.^{۱۷}

مرحوم شهید صدر کاملترین تعریف را از سیاق عرضه کرده است. او در علم اصول می‌گوید سیاق عبارتست از هرگونه دال و نشانه‌ای که بالفظی که فهم آن مقصود است همراه باشد. خواه آن دال و نشانه لفظی باشد به گونه‌ای که بالفظ مورد نظر کلام واحد و مرتبطی را تشکیل می‌دهد یا آن دال و نشانه حالی و غیر لفظی باشد مانند موقعیتها، و شرایطی که بر کلام احاطه دارند و نسبت به موضوع مورد بحث نقش دلالت‌گری ایفا می‌کنند.^{۱۸}

نتیجه آنکه سیاق از جمله مباحث الفاظ و دانش زبانی متن و در تعبیری در زمره دانش اسلوبی است و همبسته بودن متن قرآنی در وجه زبان و معنا را مکشوف می‌سازد. سیاق آمیخته‌ای از تمامی بخشها و اجزای متن قرآنی است که مشتمل بر ساختار، درون‌مایه، انسجام، یکپارچگی و نگاه وحدت‌گرایانه بر اجزاء آیات می‌باشد.

فوائد فهم سیاق

همچنان‌که در ابتدای بررسی مفهومی آمد مطلب لم یا فایده یک بحث می‌تواند بستر معنایی مسئله را تبیین سازد. چنانچه بخواهیم در چند رقم غایت سیاق در فهم و تفسیر متون قرآنی را سامان دهیم خواهیم گفت:

- ۱- تأمل بالاستقلال مفسر در متن قرآنی با محوریت ساختار معنایی آیات.
- ۲- تفکیک و تمایز سیاق با شرایط ایجاد کننده متن، پیش زمینه آیات، وقایع تاریخی، شأن نزول و وضعیت خاص اجتماعی و فرهنگی اجتماع نبوی.
- ۳- تبیین منطق درونی متن و فلسفه چینش متن قرآنی.
- ۴- شناخت شیوه منحصر به فرد تفسیر آیات با بیان شکل کلی سوره و آیات.
- ۵- غلبه سیاق بر اسباب نزول و مناسبت میان آیات.
- ۶- فهم خاص و مقید و گاه منحصر از آیه بر اساس بنیاد بودن سیاق.

۷- نقد و جرح روایات در پرتو سیاق آیه.

۸- تشخیص مجعول بودن روایات و اسرائیلیات به دلیل سیاق آیه.

۹- طرد و اصلاح اسباب نزول به دلالت سیاق آیه.

۱۰- بررسی تلائم و تهافت میان سیاق و روایات صحیح و ناصحیح و اسباب برتری هر کدام بر دیگری.

۱۱- بسط و توسعه معنایی آیه به دلالت سیاق.

۱۲- تغییر و اصلاح اعراب واژگان آیات به دلالت سیاق.

۱۳- تبیین چگونگی برتری فهم تفسیری آیه به دلالت سیاق بر فهم تفسیری دیگر بدون توجه به دلالت سیاق.

۱۴- تبیین چرایی برتری سیاق در تفسیر بر سایر دلالتها.

نمونه های پژوهش

در این باب درصددیم تا با توجه به تبیین جایگاه، اهمیت و فواید سیاق به بررسی سور و آیاتی بپردازیم که حکایت از نقش سیاق در تفسیر و فهم متن قرآنی داشته به نحوی که بدون توجه به دلالت سیاق ممکن است مراد و معنایی متفاوت از آن آیات اصطیاد گردد.

اساس در انتخاب نمونه‌ها تفسیر المیزان است گرچه به تفاسیر دیگر نیز توجه خواهد شد.

الف: سوره بقره

آیه ۱۸۵-۱۸۳: یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام...

علامه در آغاز بحث از سه آیه مزبور می‌گوید سیاق این سه آیه دلالت دارد بر اینکه: اولاً هر سه با هم نازل شده‌اند برای اینکه ظرف (ایام) در ابتدای آیه دوم متعلق به کلمه (صیام) در آیه اول است و جمله (شهر رمضان) در آیه سوم یا خبر است برای مبتدایی حذف شده و یا بدل از کلمه صیام در آیه اول است.

پس به دلیلی که ذکر شد آیات سه گانه مورد بحث به هم متصل، و نظیر کلام واحدی است که یک غرض را در بر دارد و آن غرض عبارتست از بیان وجوب روزه ماه رمضان. و ثانیاً دلالت دارد بر اینکه قسمتی از گفتار این سه آیه به منزله مقدمه و زمینه چینی برای قسمت دیگر آن است یعنی دو آیه اول به منزله مقدمه است برای آیه سوم. دو آیه اول از جملاتی ترکیب شده که در همه آنها به تدریج ذهن شنونده را به سوی روزه رمضان توجه می دهد و به فواید و خیر دنیوی و اخروی می پردازد تا از حدت و شدت حکم کاسته شود.^{۱۹} علامه در ادامه به کرات با بهره بردن از دلالت سیاق بر این امر تأکید می ورزد و در شرح آیه ۱۸۴ و در نقد مسئله نسخ در روزه می افزاید اگر خواننده عزیز در آیات سه گانه دقت کند خواهد دید که هر سه یک غرض را دنبال می کند و یک سیاق متصل و جملاتی به هم پیوسته و بیانی روشن دارد و اگر این کلام واحد و پیوسته را با نظریه این مفسرین تطبیق دهد، خواهد دید که دیگر آن سیاق پیوسته را ندارد و جملاتش با یکدیگر متنافی است و اولش آخرش را نقض می کند.^{۲۰}

آیات ۲۵۳-۲۴۲:

و قاتلوا فی سبیل اللّٰه... من ذالذی یقرض اللّٰه قرضاً حسناً فیضاعفه له اضعافاً کثیره...

علامه در تفسیر المیزان در تفسیر آیات مزبور می نویسد اتصال روشنی در بین آیات به چشم می خورد و ارتباطی که میان مسئله قتال و مسئله ترغیب در قرض الحسنه و نیز ارتباطی که میان این دو مسئله با سرگذشت طالوت و داود و جالوت هست این نکته را به ما می فهماند که این آیات یکبارہ نازل شده و منظور از آن، بیان دخالتی است که قتال در شئون حیات و پدید آوردن روحیه پیشرفت امت در حیات دینی و دنیائیش دارد، و اهل جهاد را به سعادت حقیقتشان می رساند. آری خدای سبحان در این آیات فریضه جهاد را بیان نموده و مردم را دعوت می کند به اینکه در تجهیز یکدیگر و فراهم نمودن نفرت و تجهیزات، انفاق کنند. و اگر این انفاق را قرض دادن به خدا خوانده، چون انفاق در راه خدا است، علاوه بر اینکه این تعبیر هم تعبیری است سلیس و هم شعر به قرب

خدا، می‌فهماند اتفاق کنندگان نزدیک به خدا هستند به طوری که با او داد و ستد دارند.^{۲۱}

علامه پس از تبیین وجه پیوند آیات مجدداً مسئله سیاق را به نحو ظریفتری مطرح می‌کند و معتقد است خدای تعالی سیاق خطاب را که قبلاً امر بود و می‌فرمود: «جهاد کنید»، به سیاق خطاب استفهامی برگردانید، و فرمود: کیست از شما که چنین و چنان کند؟ با اینکه ممکن بود همین مطلب را نیز به صورت امر بفرماید، مانند جمله «در راه خدا جهاد کنید و به او قرض بدهید»، و این تغییر به خاطر جلب توجه مخاطب است، چون سیاق امر خالی از کسب تکلیف نیست، ولی سیاق استفهام دعوت و تشویق است، در نتیجه ذهن شنونده تا حدی از تحمل سنگینی امر استراحت می‌کند و نشاط می‌یابد.^{۲۲}

علامه در موارد بسیاری از سوره بقره همچون آیات ۱۹۵-۱۹۰ (سیاق آیات شریفه دلالت دارد بر اینکه همه یکباره و با هم نازل شده و اینکه همه یک غرض را ایفا می‌کنند)، آیات ۲۱۰-۲۰۸ (و از خصوصیات سیاق کلام و قیود آن این معنا نیز استفاده می‌شود که خطوات شیطان تنها آن گامهایی از شیطان است که در طریقه و روش پیروی شود... یا... پس سیاق حکم می‌کند به اینکه جمله: «هل ينظرون...» تهدید و وعیدی باشد که در آیه قبلی وعده‌اش را داده...)، آیه ۲۱۴ (این آیات... تا آخر آیه مورد بحث یک سیاق دارند، و همه به هم مربوطند) [علامه در ذیل حتی يقول الرسول والذين آمنوا معه می‌گوید کلمه يقول هم به نصب و هم به ضم خوانده شده که بنا بر نصب به معنای غایت و نتیجه است برای جملات قبل و بنا بر ضم حکایت حال گذشته است و هرچند هر دو معنا صحیح است لکن دومی با سیاق مناسب‌تر است زیرا اگر به معنی غایت و بنا بر نصب باشد که جمله زلزلا را تعلیل کند، آن‌طور که باید با سیاق مناسب نیست (همان، ص ۲۳۸)]؛ آیات ۲۲۰-۲۱۹ (اعتبار عقلی و سیاق آیه نمی‌پذیرد که این آیه بعد از آیه بقره، و دو آیه مانده که به طور مطلق از می‌گساری نهی می‌کنند نازل شده باشد)؛ آیات ۲۵۴-

۲۵۳) سیاق این دو آیه خیلی از سیاق آیات قبل که امر به جهاد و تشویق به انفاق می‌کرد، دور نیست.)؛ آیه ۲۵۵ (در نتیجه، سیاق آیه در اینکه شامل شفاعت تکوینی هم بشود نظیر سیاق آیات زیر است که آنها نیز شامل هر دو قسم شفاعت هستند)؛ آیات ۲۶۰-۲۵۸ (پس موقعیت و سیاق آیات سه‌گانه، با هر سه جور تعبیر می‌سازد، چیزی که هست خدای سبحان در این آیات تفنّن در تعبیر کرده و هر یک از سه آیه را با یکی از آن سه سیاق آورده تا شنونده را به نشاط آورد و همه رقم فواید سیاق را که استیفای آن ممکن باشد ایفا کرده باشد)؛ آیات ۲۷۴-۲۶۱ (سیاق این آیات از این جهت که همه درباره انفاق است و مضامین آنها به یکدیگر ارتباط دارد این را می‌فهماند که همه یکباره نازل شده و این آیات مؤمنین را تحریک و تشویق به انفاق در راه خدا می‌کند.) اصطلاح سیاق و دلالت آن و حتی فواید سیاق را مورد توجه و استفاده قرار می‌دهد.

ب: سوره اسراء

آیه نخست:

سبحان الذی أسرى بعبده ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى...

علامه در چند بخش از تفسیر این سوره از دلالت سیاق بهره می‌برد. در تفسیر نخستین آیه از این سوره می‌نویسد این سوره پیرامون مسئله توحید و تنزیه خدای تعالی از هر شریکی که تصور شود می‌باشد اما مسئله تسبیح خدا را بر مسئله حمد و ثنای او غلبه داده و بیشتر به قسم دوم پرداخته است لذا در ابتدا و در خلال سوره هم پی‌درپی تسبیح او را تکرار می‌کند.

علامه در ذیل بررسی سبحان است که با توجه به سیاق آیه مسئله مهم تفسیری را ذکر می‌کند و معتقد است که کلمه سبحان اسم مصدر از ماده تسبیح و به معنای تنزیه کردن مخصوص است. سبحان بیشتر در وقتی استعمال می‌شود که بخواهند اظهار تعجب کنند ولی در این آیه به شهادت سیاق، برای تنزیه است نه تعجب، چون سیاق کلام و غرض از آن تنزیه خداست^{۳۳} هرچند صاحب مجمع البیان اصرار دارد که برای تعجب

در ادامه تفسیر، علامه با بهره بردن از سیاق و آیه ۱۸ سوره نجم در تبیین معنی «النریه من آیاتنا» می‌نویسد سیاق کلام دلالت دارد بر اینکه آن آیات از آیات و نشانه‌های عظیمی بوده همچنان‌که در داستان معراج (سوره نجم) به این معنا تصریح کرده و فرموده است: لقد رأی من آیات ربہ الکبری.

آیات ۸-۲

و آتینا موسی‌الکتاب و جعلناه هدی لبنی اسرائیل الا تتخذوا من دونی وکیلا...

در تفسیر آیات در المیزان آمده است که از ظاهر سیاق این آیات که در صدر سوره قرار دارند چنین برمی‌آید که در مقام بیان، این معنا است که سنت الهی در امتهای انسانی همواره بر این بوده که ایشان را به راه بندگی و توحید هدایت نموده و نعمتهای دنیا و آخرت را در اختیارشان قرار داده تا اگر اطاعت و احسان کنند به سعادت دنیا و آخرت پاداششان دهد و اگر عصیان ورزند به نکال و خواری در دنیا و عذاب آخرت کیفرشان کند، لذا می‌توان گفت که هفت آیه مذکور به منزله مثالی است که کیفیت جریان این سنت عمومی را در بنی اسرائیل مجسم می‌سازد. ۲۵

آیه ۱۵

...و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا...

از ظاهر سیاقی که در این آیه و آیات قبل و بعد دارد برمی‌آید که مراد از تعذیب، تعذیب دنیوی و عقوبت استیصال باشد و مؤید این احتمال سیاق نفی در «ما کنا معذبین» است. به علاوه کلمه رسول در باور علامه سیاق دیگری است. تفاوت رسول و نبی این است که رسالت منصب خاصی است الهی که مستلزم حکم فصل در امت است و حکم فصل عبارت است از عذاب استیصال یا تمتع و بهره‌مندی از زندگی تا مدتی معین. پس اینکه در آیه تعبیر به رسول کرده [و نفرموده حتی نبعث نبیا] خود مؤید این است که مراد تعذیب دنیوی است نه اخروی و نه مطلق تعذیب. ۲۶

آیه ۳۰

ان رَبِّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ...

علامه طباطبایی در بیان اینکه چرا خداوند از احسان به والدین، رعایت حقوق خویشاوند و مسئله اسراف و انفاق، به مسئله بسط و گشایش روزی و رزق پرداخته می‌نویسد از ظاهر سیاق برمی‌آید که این آیه در مقام تعلیل مطالب آیه قبل است که از افراط و تفریط در انفاق نهی می‌کرد.^{۲۷}

آیه ۴۱

و لقد صرفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم الا نفورا

صاحب المیزان ابتدا می‌کوشد تا با تفسیر معنای صرف و به کمک مفردات راغب، معنای آیه را روشن سازد و در این تبیین، باز به دلالت سیاق روی می‌آورد و می‌گوید کلمه صرف به معنای برگرداندن چیزی است از حالی به حالی و کلمه تصریف (تصریف الریاح: به معنای حرکت دادن و گرداندن بادها) نیز به همین معنا است. سپس می‌افزاید: پس به شهادت سیاق معنای این آیه است که قسم می‌خورم که گفتار در پیرامون مسئله توحید و نفی شریک را در این قرآن چند جور عوض کردیم و هر بار به گونه‌ای غیر از بیان قبل احتجاج کردیم تا بیانها مختلف گردد به این منظور که اینان به فکر بیفتند و متذکر شوند و حق بر ایشان روشن شود.^{۲۸}

آیه ۵۳

و قل لعبادی یقولوا التی هی احسن...

از سیاق آیه برمی‌آید که مقصود از کلمه عبادی مؤمنین‌اند و اضافه بندگان به «مَنْ» تشریفی است و معنای آیه این است که به بندگان من دستور بده که سخنی بگویند که احسن و بهترین است.

علامه معتقد است که این آیه و دو آیه بعد از آن، دارای یک سیاق‌اند و خلاصه مضمون آن دو دستور به نیکو سخن گفتن و ادب در کلام را رعایت کردن و از

وسوسه‌های شیطان احتراز جستن است.^{۲۹}

آیه ۷۳

و ان کادوا لیفتنونک عن الذی اوحینا الیک لتفتری علینا غیره و...

از مواردی که علامه به کمک سیاق، معنای عام را از تعبیری خاص، استخراج می‌کند این آیه است. می‌تواند الذی اوحینا الیک وحی خاص و آیه‌ای خاص باشد اما علامه معتقد است که ظاهر سیاق می‌رساند که مراد از آن، قرآن است و این سیاق مؤید روایاتی است که در شأن نزول آیات وارد شده است.^{۳۰}

۸- آیه ۸۶

و لئن شئنا لنذهبن بالذی اوحینا الیک

آیه ۸۲ درباره نزول قرآن و شفا و رحمت بودن این کتاب آسمانی برای مؤمنین می‌باشد. آیه ۸۵ که قبل از آیه ۸۶ است درباره روح است: «یستلونک عن الروح قل الروح من امر ربّی» بدون استفاده از سیاق نمی‌توان آیه ۸۶ را به آیه ۸۲ ارتباط داد و تصور می‌شود که به سبب وجود مناسبت میان آیات، آیه ۸۶ مرتبط با آیه ۸۵ بوده و هر دو یک معنا را افاده نمایند. علامه به کمک دلالت سیاق می‌نویسد آیه ۸۶ کلامی است متصل به ماقبلش یعنی آیه ۸۲، زیرا آیه قبلی (یعنی آیه ۸۵) اگر چه متعرض مطلق روح بود اما بر حسب سیاق آیات مورد بحث که درباره قرآن گفتگو داشت می‌فهمیم که مقصود از آن خصوص آن روحی است که از آسمان بر رسول خدا نازل می‌شود و قرآن را به او القاء می‌کرد.^{۳۱}

همچنان‌که روشن است علامه در آیه ۸۶ از تعبیری عام، به کمک دلالت سیاق، معنایی خاص را اراده و تفسیر کرده و برخلاف آیه ۷۳ عمل کرده است.

آیه ۹۳

...قل سبحان ربّی هل کنتُ الا بشراً رسولاً...

می‌دانیم که آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء آیات خاصی است و آن درخواست

شگفت‌انگیز اعراب و مشرکین از پیامبر اکرم (ص) است. علامه پس از بیانی طولانی بحث را بر دو کلمه بشر و رسول متمرکز کرده و گوید هر یک از دو کلمه «بشراً» و «رسولاً» دخالتی در تمامیت جواب دارند. کلمه «بشراً» جواب اقتراح ایشان است که آن جناب خودش چنین و چنان کند، و کلمه «رسولاً» جواب از این است که اگر تو رسولی از سوی خدایت هستی قدرت بر آوردن این گونه امور را بگیر.

علامه پس از این تبیین می‌گوید برخی از مفسرین تنها کلمه «رسولاً» را در جواب دخالت داده و کلمه «بشراً» را معتقدند خداوند به عنوان مقدمه آورده است. لذا ما نمی‌توانیم هر دو کلمه بشراً و رسولاً را دو نقطه اتکاء در جواب بدانیم. این رأی مربوط به صاحب تفسیر روح المعانی است.

علامه به کمک دلالت سیاق به نظر آلوسی پاسخ می‌دهد و می‌نویسد اولاً حملی کردن کلمه بشراً بر پاسخ از این پندار که ممکن نیست فرستاده خدا از جنس بشر باشد حمل است بدون دلیل و در آیات قرآنی هیچ نقلی از چنین پنداری دیده نشده است. ثانیاً آنطور هم که وی آیه را معنا کرده باز نقطه اتکاء کلام «رسول» نیست بلکه تشبیه رسول به سایر پیغمبران است. در نتیجه بر اساس گفتار آلوسی نقطه اتکاء کلام حذف شده و معلوم است که حذف معتمد کلام، سیاق را فاسد نموده و شنونده چیزی از آن نمی‌فهمد.^{۳۲}

ج - سوره احزاب

چند نکته قبل از شروع تحقیق در نمونه‌های آیات سوره احزاب لازم به ذکر است. نکته نخست آنکه علامه در تفسیر المیزان در تفسیر سوره احزاب بیشترین بهره را از دلالت سیاق برده به گونه‌ای که مجموعاً در ذیل ۱۳ آیه از سیاق در فهم آیات استفاده کرده و در ۲۰ مورد دلالت سیاق را در این سیزده آیه مورد توجه در تفسیر قرار داده است. گرچه در آیه ۳۳ به سبب ورود روایات صحیح از ائمه معصومین، روایت را بر سیاق ترجیح داده است.

نکته دوم اینکه علامه در بهره بردن از سیاق در این سوره به طرق متنوع و گوناگون عمل کرده است، گاهی سیاق را برای تشخیص مکی و مدنی بودن، گاهی سیاق را برای تعیین «نحو کلام»، گاهی برای تلائم با اسباب نزول، زمانی برای مقابله با یک روایت، و بالاخره برای فهم مراد خداوند از آیه به کار می‌برد.

آیه نخست

يا ايها النبي اتق الله و لاتطع الكافرين و المنافقين ان الله كان عليماً حكيماً

علامه ابتدا می‌نویسد که این سوره مشتمل است بر معارف، احکام، قصص و عبرتها و مواعظی چند. و سیاق آیات آن شهادت می‌دهد که از سوره‌هایی است که در مدینه نازل شده است. آیه به زعم علامه در سیاق نفی و نهی است نسبت به کفار و منافقین و هر دو را ذکر کرده و از اطاعت هر دو نهی فرموده. از این معنا کشف می‌شود که کفار از رسول خدا چیزی می‌خواسته‌اند که مورد رضای خدای سبحان نبوده، منافقین هم که در صف مسلمانان بودند، کفار را تأیید می‌کردند و از آن حضرت به اصرار می‌خواستند که پیشنهاد کفار را بپذیرد.

با این بیان و به دلالت سیاق آیه، روایاتی که در شان نزول آیه وارد شده، تأیید می‌شود. چه در آن روایت آمده که عده‌ای از صناید و رؤسای قریش، پس از جنگ احد به مدینه آمدند و از رسول خدا (ص) درخواست کردند که با بت‌پرستی ایشان کاری نداشته باشد و ایشان هم با او و یکتاپرستی اش کاری نداشته باشند این آیه‌ها نازل شد که نباید ایشان را اجابت کنی و رسول خدا نیز از اجابت خواسته آنها خودداری کرد.^{۳۳}

علامه نکته‌ای ظریف را در تفسیر پایان آیه «ان الله كان عليماً حكيماً» به کمک دلالت سیاق ارائه می‌کند. و می‌گوید به کمک سیاق می‌فهمیم چرا خداوند آیه را با دو اسم از اسماء الهی که مناسبت تام با ابتدای آیه داشته و در آن هم از علیم بودن (آگاهی تام بر پیشنهاد قریش) و هم از حکیم بودن (دلیل امر بر پیامبر در نپذیرفتن پیشنهاد) سخن به میان می‌آورد. لذا تناسب دو اسم با ابتدای آیه و نیز این آیه با دو آیه بعد از دلالت سیاق

مؤدی می‌شود.

آیه ۲

واتبع ما یوحى الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا

از مواردی که علامه به دلالت سیاق از تعبیر عام، معنایی خاص را تفسیر می‌کند آیه فوق است. می‌نویسد آیه شریفه در حد خود عمومیت دارد اما از جهت اینکه در سیاق نهی قرار گرفته و رسول خدا را امر می‌کند به پیروی آنچه به او وحی شده لذا مراد از یوحی معنای عام نبوده بلکه مخصوص به مسئله پیشنهادی است که کفار و منافقین مطرح کرده بودند. علامه دلیل استفاده خاص از تعبیر عام را عبارت «ان الله کان بما تعملون خبیرا» دانسته و آن را مؤید شهادت سیاق (معنای خاص) عنوان می‌کند.^{۳۴}

آیه ۳

و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا

همچنان‌که در ابتدای تفسیر سوره احزاب گفته شد سه آیه در سیاق معنی و حکم واحدند لذا به باور علامه با اینکه این آیه همانند آیه دوم فی حد نفسه عام است اما به خاطر وقوعش در سیاق نهی، دلالت می‌کند بر امر به توکل بر خدا در خصوص عمل به امر خدا و وحی او، و نیز اشعار دارد بر اینکه امر نامبرده مطلب مهمی است که از نظر اسباب ظاهری عمل به آن محذور دارد و هر دلی که باشد دچار وحشت می‌شود مگر آنکه کسی در عمل به آن به خدای سبحان توکل کند.^{۳۵}

آیه ۶

النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم

علامه چند نکته مهم را در تفسیر آیه ششم بیان می‌دارد:

- معنای اولویت این است که فرد مسلمان هر جا امر را دائر دید بین حفظ منافع رسول

خدا و حفظ منافع خودش، باید منافع رسول خدا(ص) را مقدم بدارد.

- این اولویت حتی شامل نفس مؤمنین یعنی جان و حیات آنها نیز شده و حفظ جان

پیامبر مقدم است بر جان مؤمنین.

- همچنین پیامبر در تمامی امور دنیا و دین اولی و مقدم بر مؤمنین است.

به دنبال این تبیین، علامه به نقد آراء برخی مبنی بر تقیید اولویت پرداخته و به دلالت سیاق با این تفاسیر مخالفت می‌ورزد. لذا می‌نویسد اینکه بعضی گفته‌اند مراد از اولویت پیامبر، فقط در دعوت دین است یا اینکه برخی گفته‌اند مراد از اولویت، نافذتر بودن حکم پیامبر است نسبت به حکمی که مؤمنین علیه یکدیگر می‌کنند، قابل پذیرش نیست چون سیاق آیه با تفسیر و رأی آنان مساعد نیست.^{۳۶}

آیه ۳۳

...أَنتَما یَرید اللّٰه لیبذِبا عنکم الرّجس الّٰهلبیت و یطهرکم تطهیراً

برخی معتقدند یکی از موارد برجسته‌ای که علامه روایت صحیح را بر سیاق آیه ترجیح می‌دهد در آیه ۳۳ احزاب است، گرچه نویسنده در پایان با این رأی موافق نبوده و دلایل را ذکر خواهد کرد. در ذیل این آیه نیز علامه نکات مهمی را با توجه به سیاق و روایت مطرح می‌کند.

- کلمه اَنتَما در آیه انحصار خواست خدا را می‌رساند لذا در آیه شریفه در حقیقت دو قصر و انحصار به کار رفته، یکی انحصار اراده و خواست خدا در دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت، دوم انحصار این عصمت از پلیدی در اهل بیت.

- اهل بیت کیست؟ علامه می‌گوید به طور مسلم زنان پیامبر جزو اهل بیت او نیستند برای اینکه هیچ‌گاه صحیح نیست ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد و به جای عنکم خداوند باید می‌فرمود: عنکن. البته علامه در این تفسیر ادبی به نوعی از سیاق آیه بهره برده است.

- آیه ۳۳ از جهت نزول جزو آیات مربوط به همسران رسول خدا و متصل به آن نیست. حال یا این است که به دستور رسول خدا(ص) دنبال آن آیات قرار داده شده یا بعد از رحلت رسول خدا(ص) اصحاب در هنگام تألیف آیات قرآنی در آنجا نوشته‌اند. علامه

رای دوم را پذیرفته و می نویسد مؤید این احتمال این است که اگر آیه مورد بحث که در حال حاضر جزو آیه «و قرن فی بیوتکن» است، از آن حذف شود، آیه نامبرده به آیه بعدش که می فرماید «واذکرن» کمال اتصال و انجام را دارد و اتصالش به هم نمی خورد. خوب با توجه به نکات یاد شده علامه می گوید اگر کسی بگوید روایات وارده در خصوص تطبیق آیه بر اهل بیت با آیه تهافتی ندارد چون سیاق آیات خطاب به همسران پیامبر نیز می باشد، می گویم، روایات صحیح وارده از فریقین به روشنی دلالت بر اختصاص آیه به اهل بیت داشته و شامل همسران پیامبر نمی شود. به علاوه این آیه و آیات قبل در سیاق واحد نیستند.^{۳۷}

نگارنده معتقد است که علامه در این آیه از مسئله سیاق نه تنها عدول نکرده و روایت را بر سیاق ترجیح نداده بلکه بر این باور است که سیاق آیه می فهماند که اتصال ابتدای آیه به آیه بعد است نه به آیه تطهیر. به علاوه علامه با رد اتصال آیه تطهیر به آیه و عبارت قبل و بعد می کوشد تا مسئله سیاق را تخصصاً از موضوع خارج ساخته تا بین سیاق و روایت صحیح تهافتی پیش نیاید. بنابراین علامه درصدد نیست تا در این آیه به حکم عام سیاق و دلالت سیاق در تفسیر آیات، قید و تخصیص زند بلکه قصد علامه آن است که آیات متصل نبوده و مسئله سیاق در آن جاری نیست. بلکه علامه نکته مهمتری را طرح می کند و آن اینکه به دلالت سیاق می توان فهمید که آیه با قبل و بعد اتصال دارد یا خیر و از این طریق می توان به پژوهش دقیق در مسئله توقیفی یا اجتهادی بودن جمع آوری قرآن و آیات و سور دست زد.

آیه ۳۴

واذکرن ما ینتلی فی بیوتکن من آیات الله و الحکمه ان الله کان لطیفاً خبیراً.

علامه دو معنا را برای ذکر بیان کرده و به دلالت سیاق معنای نخست را می پذیرد. وی می گوید از ظاهر سیاق برمی آید که مراد از ذکر مقابل معنای فراموشی است که همان یادآوری است چون این معنا مناسب تأکید و تشدید است که در آیات شده است، پس

این آیه به منزله سفارش و وصیتی است بعد از وصیت و سفارشی که قبلاً در خصوص امثال تکالیف متوجه ایشان کرده بود. و معنای آیه این است که شما زنان پیغمبر باید آنچه را که در خانه‌هایتان از آیات خدا و حکمت تلاوت می‌شود، حفظ کنید و همواره به خاطرتان باشد تا از آن غافل نمانید و از خط سیری که خدا برایتان معین کرده تجاوز نکنید.

علامه سپس معنای دوم ذکر را آورده و گوید برخی گفته‌اند مراد از ذکر، شکر خداست و معنای آیه این است که خدا را شکر کنید، که شما را در خانه‌هایی قرار داد که در آن قرآن و حکمت خوانده می‌شود. علامه می‌گوید این معنا قابل پذیرش نیست چون این معنا از سیاق آیه و مخصوصاً از سیاق پایانی آیه «**إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا**» دور است.^{۳۸}

پانوشتها

- ۱- در قرآن تنها در دو سوره انبیاء و نجم واژه وحی بر متن قرآن دلالت دارد: قل انما انذركم بالوحی (انبیاء/۴۵)؛ ان هو الا وحی یوحی (نجم/۴).
- ۲- آیاتی که واژه قرآن را بر متن وحیانی اطلاق نموده‌اند چنین‌اند:
 - شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن هدی للناس (بقره/۱۸۵)
 - افلا یتدبرون القرآن و لو كان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیرا (نساء/۸۲)
 - و اوحی الی هذا القرآن لانذركم به (انعام/۱۹)
 - و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له (اعراف/۲۰۳) و مانند آن
- ۳- آیاتی که در آن واژه کتاب بر متن قرآنی اطلاق شده عبارتند از:
 - فجر/ ۶/ نحل/ ۴۴، انبیاء/ ۵۰، یس/ ۱۷، فصلت/ ۴۱، قلم/ ۲-۵۱.
- ۴- علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۶، ص ۲۸۰.
- ۵- همان، ج ۱۶، ص ۲۷۴.
- ۶- فخر رازی در تفسیرش و نیز مرحوم زمخشری در تفسیر الکشاف با تفاوتی همچون علامه از سیاق استفاده بسیار کرده‌اند.
- ۷- المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۱.
- ۸- مرتضی مطهری، نبوت، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶.
- ۹- نصر حامد ابوزید، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی‌نیا، انتشارات طرح نو، چاپ سوم ۱۳۸۲، ص ۲۷۴.
- ۱۰- سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۷.
- ۱۱- زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۲۳.

- ۱۲- شرح المنظومه، ص ۳۲.
- ۱۳- ر.ک: زرکشی، البرهان، پیشین، ج ۱، صص ۲۶۲-۲۵۶.
- ۱۴- همان، ج ۱، ص ۳۷ به بعد.
- ۱۵- نصر حامد ابوزید، پیشین، ص ۲۷۳ به بعد.
- ۱۶- مراجعه شود به: اقرب الموارید، ج ۱، ص ۵۵۹. المعجم الوسیط، ص ۴۶۵.
- ۱۷- زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱۷ و ج ۲، ص ۲۰۰.
- ۱۸- محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۳.
- ۱۹- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۲، صص ۴-۵.
- ۲۰- همان، صص ۱۴-۱۳.
- ۲۱- همان، ص ۴۳۰.
- ۲۲- همان، ص ۴۳۲.
- ۲۳- همان، ج ۱۳، ص ۶.
- ۲۴- طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۹۶.
- ۲۵- المیزان، پیشین، ج ۱۳، ص ۴۵.
- ۲۶- همان، صص ۷۸-۹.
- ۲۷- همان، صص ۱۱۵-۱۱۴.
- ۲۸- همان، صص ۱۴۴-۴۵.
- ۲۹- همان، صص ۱۶۱-۶۲.
- ۳۰- همان، ص ۲۳۸.
- ۳۱- همان، ص ۲۷۸.
- ۳۲- همان، صص ۸۳-۲۸۱.
- ۳۳- تفسیر المیزان، ترجمه همدانی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷، ج ۱۶، صص ۲۸-۴۲۷.
- ۳۴- همان، ص ۴۲۸.
- ۳۵- همان، صص ۲۹-۴۲۸.
- ۳۶- همان، صص ۳۳-۴۳۲.
- ۳۷- همان، صص ۸۹-۴۸۳.
- ۳۸- همان، صص ۴۹۰-۴۸۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی